

بوطیقای روش شناختی مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

سارا ذبیحی^۱، محمدعلی خزانه‌دارلو^۲، فرزانه آقاپور^۳

چکیده

ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ساحتی تازه در قلمرو ادبیات تطبیقی است که در ارتباط بینامتنی ادبیات کودک و نوجوان با ادبیات تطبیقی بر ساخته می‌شود. ارتباط بوطیقا و تطبیق با شناخت، هردو را در زمره روش‌های شناختی قرار می‌دهد. تبیین پیکره پژوهش در این ساحت، در آثار دیگر پژوهشگران بررسی شده است؛ اما شناخت روش‌های مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی نیز از گام‌های ضروری در این فرایند شناختی محسوب می‌شود که تاکنون نادیده گرفته شده است؛ از این رو در این جستار، منطق ساختاری ارتباط مؤلفه‌ها، شاخصه‌ها و عناصر متون در یک صورت‌بندی منسجم بررسی می‌شود. علاوه بر آن، پاسخ به این پرسش که چگونه و چه مسئله‌هایی را می‌توان در قلمروی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان قلمداد کرد، دغدغه نوشتار حاضر است. هدف از این مطالعه، تبیین روش‌شناسایی و ساخت مسئله پژوهشی در ساحت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان به کمک الگوی بینامتنی نظریه ترامنتیت ژنت و پیشنهاد مدلی ساختاری و بوطیقای با مؤلفه‌های بینامتنی است. دو مدل پیشنهادی طراحی می‌شود که در اولی، با ترکیب الگوی ارتباطی یاکوبسن و چپمن، مدل پیشنهادی انتخاب عنصر برای شناسایی و ساخت مسئله مطرح می‌شود و در دومی، با نمودارسازی شاخص‌های نامتغیر، نیمه‌متغیر و متغیر، مدل بوطیقای روش شناختی ادبیات تطبیقی بزرگسال و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان طراحی می‌شود. مدل‌های بدیع پژوهش می‌کوشند از خلأ نظری ساحت نوپای ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان بکاهند.

واژه‌های کلیدی: روش‌شناسی مسئله پژوهش، ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات تطبیقی، ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، بینامتنیت ژنت

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

Sarah_Zabihi@phd.guilan.ac.ir

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

khazaneh@guilan.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

farzaneh.aghapour@guilan.ac.ir

ارجاع به این مقاله:

سارا ذبیحی، محمدعلی خزانه‌دارلو، فرزانه آقاپور. "بوطیقای روش شناختی مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان". مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی. doi: 10.22077/ishlah.2024.7274.1418. ۱۴۹-۱۸۲. ۱۴۰۳. ۲. ۴.



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*.

This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

ادبیات تطبیقی^۱ در مطالعات ادبیات بزرگ‌سال با وجود انتقادات حاکی از نابسامانی آن در ایران، قدمت دیرینه‌ای نسبت به مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان دارد. با توجه به رویکردهای مدرن و چشم‌اندازهای معاصر در پژوهش‌ها، ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال به جهت پرباری و زمینه‌های تاریخی مطالعات انبوه در این حوزه، سریع‌تر پا به عرصه گرایش‌گرایی‌های معاصر گذاشته است؛ از این‌رو، با توجه به کمبود مطالعات مسئله‌شناختی و روش‌شناختی در مطالعه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، این پژوهش به مطالعه و بررسی روش مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان^۲ می‌پردازد.

وقتی سخن از روش‌شناسی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان می‌شود، آیا مخاطب پژوهشگر با مبحث روش‌های تحقیق مواجه می‌شود یا روش گردآوری اطلاعات؛ روش تحلیل و بررسی یا خوانش؛ یا روش و نحوه نگاه به ادبیات تطبیقی و مسئله‌های پژوهشی؟ در کنار این مباحث، آیا وقتی کانون بحث از ادبیات تطبیقی به ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان معطوف و متمرکز می‌شود، باز هم پاسخ و چالش‌ها همان است؟ یا به‌خاطر مخاطب کودک و نوجوان و ادبیات ویژه این مخاطبان، بحث مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی چالش‌برانگیزتر می‌شود؟ این پرسش‌ها دغدغه نوشتار حاضر است؛ چراکه روش پژوهش با روش خوانش و مطالعه فرق می‌کند و روش ساخت مسئله پژوهشی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان با روش ساخت آن در ادبیات تطبیقی بزرگسال تاحدودی متفاوت است؛ میان‌رشتگی، هم‌نشینی، گفت‌وگو و روابط بینامتنی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان با دیگر رشته‌ها و ادبیات‌ها و متون و ماهیت معرفت‌شناختی این حوزه از دانش، آن را همچون هر دانش و معرفتی، منحصر و ویژه می‌کند. این مطالعه، به تحلیل نظری داده‌هایی که به‌صورت توصیفی از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند، با رویکرد بینامتنی- انتقادی از نوع اسنادی می‌پردازد.

هدف پژوهش

این پژوهش بنابر چالش‌های پیش روی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، گام‌های پژوهشی تازه‌ای برمی‌دارد و درصدد بررسی زوایای روش‌شناختی «مسئله‌سازی در مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» است؛ یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان همین است. پرسش‌های پژوهش به این فرضیه منجر شد که ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در تطبیق و تعامل با دیگر متون و

1. Comparative Literature
2. Comparative Children's and Young Adult Literature

ارتباط و گفت‌وگو با آن‌ها، باید به مسئله‌های پژوهشی ویژه‌ای در مطالعات پردازد که آن را واجد دانش ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان کند و هر پژوهشی از هر زاویه‌ای، حتی بدون رعایت ساختارها و بدون روشمندی، وارد ساحت پژوهش‌های ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نشود.

اهمیت و پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان به غرب برمی‌گردد؛ هزارد، پژوهشگر مطرح ادبیات تطبیقی، با تألیف کتاب‌ها، *کودکان و انسان‌ها* (۱۹۳۲) دفاعیه‌ای پژوهشی را از عدم توجه به ادبیات کودک در مطالعات تطبیقی منتشر کرد. پژوهش‌هایی از اسالیوان (۲۰۰۵) و نیکولایوا (۲۰۰۸) به دغدغه مسئله مطالعات تطبیقی در ادبیات کودک و نوجوان پرداخته‌اند. پترس پائانو در سال ۲۰۱۱ نیز به جمع این پژوهشگران مسئله‌مند پیوست. پژوهشی که با عنوانی مستقل و نه در ذیل مباحث، به ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در ایران پردازد، پژوهش جلالی (۱۳۹۴) با عنوان «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» است؛ این پژوهش، برای شکل‌دهی چهارچوب نظری مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و رویکردهای مورد توجه معاصر، از جمله بینامتنیت تلاش می‌کند. وی نیز به فقدان پژوهش‌های این حیطه اشاره می‌کند و در پیشینه، به کارهای مربوط به بینامتنیت در ادبیات بزرگ‌سال، روابط بینامتنی و... می‌پردازد. ذبیحی (۱۴۰۱) با مقاله «ادبیات تطبیقی کودکان اثر ایمر اسالیوان»، به معرفی و نقد کتاب اسالیوان پرداخته است. از جمله پژوهش‌های ثمربخشی که می‌تواند این مطالعات محدود را از پراکندگی، خارج و در یک نوشتار بازخوانی کند، تحلیل موضوعی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و گفت‌وگومندی آن‌هاست. ایران‌زاده و امامی (۱۳۹۵) با مقاله «تحلیل موضوعی مقاله‌های ادبیات تطبیقی در ایران از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۰ هـ.ش» به تحلیل موضوعی مقاله‌های ادبیات تطبیقی در ایران پرداخته‌اند تا نشان دهند در چه زمینه‌هایی فراوانی مقاله یا تکرار مطلب بوده است و در چه زمینه‌هایی می‌توان پژوهش‌های تازه انجام داد؛ با وجود تهیه جدولی که از توزیع موضوعی مقالات از بین بررسی‌ها صورت داده می‌شود، نه در آن ۲۲ موضوع و نه در لابه‌لای مطالب مقاله، هیچ‌گونه اشاره‌ای به حیطه ادبیات کودک و نوجوان نمی‌شود؛ هرچند تأکید نشده که پژوهش در حیطه ادبیات بزرگ‌سال است و از کلیت خود عنوان هم می‌توان به این انتقاد رسید که «حتی در مطالعات تطبیقی اخیر که شاخه‌هایی از آن... به حوزه‌های گوناگون فرهنگ وارد شده و به ادبیات حاشیه‌ای توجه کرده، ادبیات کودک به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته» (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۹) است. گفتمان

غالب ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال به ادبیات کودک و نوجوان به‌ندرت توجه نشان می‌دهد و به‌دلیل گسترش مطالعات و نقدها و رویکردهای این حوزه از دانش، بحث بر سر مسئله ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان- هرچند از عمر ادبیات کودک نیز دیری نمی‌گذرد- است و روش مطالعه تعامل و تطبیق آن با دیگر متون، ازجمله با رویکرد و الگوی بینامنی و ترامنتی برجسته شده است؛ از این‌رو پژوهش‌های روش‌شناختی در حیطه مسئله‌سازی در مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان با توجه به سابقه پژوهش‌های داخلی ضروری به نظر می‌رسد.

چهارچوب نظری و روش پژوهش

بنابر عقیده پراور^۱، تاریخچه و قدمت ادبیات تطبیقی به اوایل یا اواسط قرن نوزدهم برمی‌گردد؛ «تاریخ مطالعات ادبی تطبیقی اغلب به بررسی تاریخچه دو اصطلاح *littérature comparée* در زبان فرانسه و *comparative literature* در انگلیسی می‌رسد» (پراور ۱۸: ۱۳۹۸؛ ۴۵: ۱۳۹۳) که یا به رواج اصطلاح فرانسوی ادبیات تطبیقی به تقلید از آناتومی تطبیقی کوویه^۲ مربوط است یا به‌متابۀ رشته‌ای دانشگاهی با دروس متفرقه (دروس ادبیات تطبیقی بین سال‌های ۱۸۲۵-۱۸۱۶) از طریق فرانسوا نوئل^۳ و فرانسوا لاپلاس^۴ در سربین آغاز شد و در اواسط قرن، شتاب گرفت. به باور پراور، ریشه مقایسه تطبیقی به زمانی بازمی‌گردد که رومیان اشعار و خطابه‌هایشان را با اشعار و خطابه‌های یونانیان مقایسه می‌کردند و زمانی که آثار مکتوب به زبان‌های مختلف در دسترس قرار گرفت و وقتی که زبان لاتین جایگاه خود را به‌عنوان زبانی «جهانی» از دست داد و ملی‌گرایی فزاینده، باعث جدایی بیش از پیش کشورهای اروپایی شد، مطالعات ادبی تطبیقی کارکردهای جدیدی پیدا کرد (۱۸-۱۹؛ ۴۶-۴۵)؛ کارکردهایی که چشم‌اندازهای نوین را نوید می‌داد. ادبیات تطبیقی به هم‌پوشی‌های ادبیات‌های گوناگون می‌پردازد و در همان حال، به ویژگی‌های یگانه هر یک نیز توجه می‌کند. در این ساحت، دیگر هیچ‌یک از رشته‌های زبان و ادبیات، تنها به‌عنوان رشته‌ای ملی مطرح نبود و بحث‌های انتقادی درباره نظریه‌های سنتی ادبیات تطبیقی، از اواخر دهه هشتاد میلادی به بعد برای تکمیل و اصلاح آن‌ها آغاز شد (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۷)؛ از همین‌روی، در سوابق تعریف از ادبیات تطبیقی مناقشاتی دیرپا را می‌توان دید (۱).

از نظر رنه ولک، در ادبیات تطبیقی باید به دنبال چشم‌انداز، ماهیت و روش‌شناسی

1 Praver

2 Georges Cuvier

3 François Noël

4 François Laplace

دیگری بود. ادبیات را باید در چشم‌اندازی جهانی و عمومی مطالعه کرد، نه در چشم‌انداز ملی یا در قالب آثار پراکنده (۱۳۹۱: ۱۴). پیشنهاد ولک این است که در کنار ادبیات ملی و عمومی، ادبیات تطبیقی به‌عنوان مهم‌ترین رویکردها در مطالعه ادبیات تعین یابد و باید به چیزی پرداخت که حاصل بینشی در کلیت ادبیات جهان باشد (۲) (۱۳۹۱: ۱۴). می‌توان ادبیات تطبیقی را «مطالعه ادبیات ملل و سایر تجلی‌های فرهنگی در بین زبان‌ها و مرزهای فرهنگی» (Khoshbakht and others 2013: 90) دانست. از سال ۱۹۹۰ مجموعه‌ای فزاینده از کتب، مقالات و کنفرانس‌ها با مضامین تطبیقی کار شد که نشان از اوج علاقه به جنبه‌های تطبیقی ادبیات کودک داشت (Spri-padmadevi 2018: 335-337). پل هازارد^۱ از پیشگامان مطالعات ادبیات تطبیقی کودک دانسته می‌شود که بر این باور است:

ادبیات کودک همیشه از مرزهای زبانی و فرهنگی فراتر رفته است؛ از آغاز بسته‌شدن نطفه آن، ادبیات برای کودکان توأمان مفهوم ملی و فراملی داشته است... آینده ادبیات معاصر کودک، تبادل بین‌فرهنگی شدیدتر و گسترده‌تری دارد و زمینه‌ای جالب برای تحقیقات تطبیقی محسوب می‌شود (۳) (Panaou 2011:39).

نیکولایوا^۲ اشاره می‌کند که یکی از بُعدهای اصلی که منجر به تفاوت در تحقیقات ادبیات کودک می‌شود، وجه و جنبه آموزشی آن است (2016: 3). اسالیوان زمینه‌های مؤثر مطالعات ادبیات تطبیقی کودک را شامل ۹ قلمرو می‌داند (۴). وی به‌مرور بر پرسش‌هایش نیز می‌افزاید: چگونه می‌توان چهارچوب مفیدی برای نوشتن در مورد مراحل توسعه و تغییر در شکل و عملکرد ادبیات کودک ایجاد کرد و در عین حال بین توصیف تجربی و تأملات نظری، تعادل برقرار کرد؟ (2005).

همان‌طور که جلالی (۱۳۹۴: ۱۴۴ و ۱۴۶) به‌واسطه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، بینامتنیت و مباحث نظری آن را هدف بررسی خود قرار می‌دهد (۵)، نیکولایوا به‌واسطه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، تأثیر و تأثر و مباحث نظری مربوط به آن و کارگشایی تحلیل بینامتنی در مطالعات تطبیقی ادبیات کودک را هدف تحلیل خود قرار می‌دهد. نیکولایوا در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان میزان تقلید یا اصالت، تأثیرگذاری یا استقلال متون را ارزیابی کرد؟ به چنین نتیجه‌ای دست می‌یابد: «مفهوم بینامتنی به پژوهشگر کمک می‌کند تا ابعاد متون کودکان را کشف کند که مقایسه سنتی نمی‌تواند. در تحلیل بینامتنی، پژوهشگر می‌کوشد روش‌هایی را بررسی کند که از متون پیشین الگوهایی را گسترش می‌دهد (2008: 31). نیکولایوا به روش اشاره می‌کند؛ نکته‌ای بسیار مهم که در این پژوهش مدنظر است.

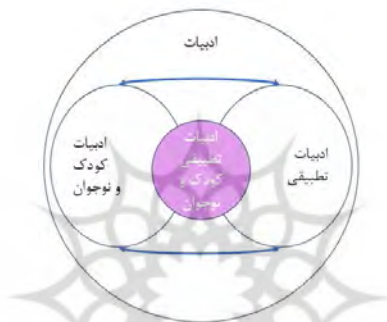
1. Paul Hazard
2. Nikolajeva

روش تحلیل و بررسی در این پژوهش، چشم‌انداز بینامتنی از نظریه ژرار ژنت^۱ است. ترامنیت ژنت، نوعی بوطیقای کامل روابط میان متن‌ها تلقی می‌شود؛ چراکه وی کوشید هر گونه رابطه یک متن با متنی دیگر را دسته‌بندی کند. هر متن، وام‌دار متن‌ها و روایت‌های پیش از خود است و یکی از حلقه‌های بی‌شمار تور/ شبکه/ زنجیره متنی و روایی محسوب می‌شود. بوطیقای تطبیقی، موضوع مورد نظر تعداد کمی از محققان از جمله رنه اتیامبل^۲، مارینو^۳، گلیسان^۴، ایو شورل^۵ بوده که به مرور به آن توجه بیشتری شده است. از نظر باخترین در دیالوگ/ مکالمه، معنای متن در پس‌زمینه‌های آن و متن پیش‌رو طی مکالمه‌ای که بین آن‌ها و خواننده درمی‌گیرد، نظاره می‌شود (Nikolajeva 2016: 31). بینامتنیت^۶، مشارکت فعال خواننده را در رمزگشایی متن برمی‌انگیزد. ساختارگرایان برای بررسی متون، در پی چهارچوبی متعین بودند. آنچه ژنت زیرمتن می‌نامد، بیشتر منتقدان بینامتن می‌گویند. وی بوطیقای ساختارگرا را وارد عرصه بینامتنیت کرد و آن را ترامنیت/ فرامتنیت خواند که بینامتنیتی از دید بوطیقای ساختارگرا محسوب می‌شود؛ بوطیقای که گاه به مطالعه سیال و نا ثابت می‌پردازد و متن را به شبکه سمرمتنی پیوند می‌دهد؛ شبکه‌ای که متن، معنای خود را از آن می‌گیرد و هر متن با زیرمتن خود ارتباط می‌یابد (بهمنی و نیک‌منش ۱۳۹۴: ۵۱-۵۰). رابطه بینامتنی در نظریه ترامنیت ژنت، براساس هم‌حضور دو یا چندین متن است؛ خواه حضور بالفعل یک متن در متن یا متون دیگر؛ خواه هم‌حضور بالقوه. به عبارت دقیق‌تر، هرگاه بخش یا پاره‌ای از یک متن در بخشی از متن دیگر حضور داشته باشد، این ارتباط از نوع بینامتنی و هم‌حضور است (نامور مطلق ۱۳۸۶: ۸۷)؛ یعنی نشانه‌هایی از متن ۱ یا الف در متن ۲ یا ب وجود داشته باشد.

روش مدرن متذکر می‌شود که «آن دسته از پژوهش‌های ادبیات کودک که رویکرد تطبیقی را نادیده گرفته‌اند، در برخورد با حوزه‌های پراهمیت چندان کارآمد نیستند» (اسالیوان ۱۳۹۸: ۱۴). یک پیشنهاد درباره رویکرد تطبیقی ویژه ادبیات کودک که تا به حال در انزوا رخ داده این است که باید با جریان عمده ادبیات تطبیقی، ماهیت ویژه خود را کسب کند؛ «برای کسانی که در زمینه ادبیات تطبیقی سنتی کار کرده‌اند، ادبیات کودک موضوعی جدی نبوده است... و نبود بُعد تطبیقی از دیدگاه مطالعات ادبیات کودک، گه‌گاه؛ اما به تکرار، نوعی کمبود به شمار آمده است» (۱۹). اسالیوان

1. Gérard Genette
2. Transtextuality
3. René Étiemble
4. Marino
5. Glissant
6. Yves Chevrel
7. Intertextuality

این کمبود را با گسترش روش‌های تطبیقی در قلمرو مطالعات ادبیات کودک که جهانی‌شدنش را به واقعیت نزدیکی می‌کند، راه‌گشا می‌داند (۶). در این پژوهش، گونه‌ی نقل‌قول از بینامتنیت صریح و اعلام‌شده‌ی نظریه‌ی ترامتنیت ژنت مدنظر است تا چهارچوبی شکل بگیرد و پاره‌متن‌های مناسب در هم‌نشینی با هم و با حضور در کنار هم، بوطیقای مدنظر پژوهش حاضر را شکل ببخشند. مؤلفه‌های هم‌حضوری از نوع ارتباط بینامتنی بین ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال و ادبیات کودک و نوجوان تحلیل می‌شود تا تأثیری که این دو حوزه از دانش، در تطبیق و هم‌نشینی و ارتباط بینامتنی با هم می‌گذارند و ساحت تازه‌ی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان که مطابق شکل زیر رقم زده می‌شود، نمایان شود.



تصویر ۱. ساحت بینامتنی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

شکل ارتباط بینامتنی بالا، رهاورد بررسی و تحلیل پژوهشگران در مقالی دیگر است. از طریق الگوهای ارتباط بینامتنی، مؤلفه‌هایی تطبیق می‌یابد و از طریق بررسی این تطبیق و هم‌نشینی، شاخص‌ها و عناصری واکاوی می‌شود؛ بدین ترتیب بوطیقای انتظام و انسجام‌یافته از این تطبیق و تحلیل، پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌گر ساحت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان با بوطیقا و الگوی روش‌شناختی که در پیش دارد، بتواند با مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی درست و دقیقی از این ساحت از دانش آشنا شود. این نوشتار با چشم‌انداز بینامتنی، به بازخوانی و بازاندیشی نقل‌قول‌هایی می‌پردازد که می‌توانند بینامتن باشند یا ارتباطی بینامتنی را رقم بزنند تا از طریق اشاره صریح به آن نقل‌های بینامتنی یا بینامتن‌ساز، مدل‌های پیشنهادی پژوهش طراحی شود.

مؤلفه‌های بینامتنی روش مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

محوریت بن‌مایه گفت‌وگویی، تطبیق و مکان‌بندی

از آنجاکه «جامعه باید در یک نسخه‌ی مدرن به گذشته نگاه کند؛ چراکه کودکان

مدرن قصد دارند آن‌ها را بخوانند» (Jalali 2015: 165)، فراهم‌سازی مقدمات نظری بیش از پیش اهمیت می‌یابد. نیکولایوا در پژوهش خود، تلاش می‌کند تطبیق سنتی و معاصر را در مقابل هم قرار دهد تا به‌واسطهٔ این بررسی تقابلی به ژرف‌کاوی کارایی رویکردهای مبتنی بر گفت‌وگومندی و بینامتنی در مطالعات تطبیقی ادبیات کودک دست یابد. او معتقد است که واکاوای نشانه‌ها و ردپای اثر پیشین در اثر بعدی، با الگوهای مطالعات بینامتنی دسترس‌پذیرتر می‌شود. در این رویکرد، نشانه‌های پنهان موجود در متن نیز از نظر دور نمی‌مانند. پیوندهای بینامتنی در ادبیات کودک اغلب مشهودتر از ادبیات اصلی (به‌نوعی همان ادبیات بزرگسال) است؛ زیرا نخست آنکه ادبیات نوشته‌شده برای کودک و نوجوان توسط بزرگسال، اساساً بینامتنی است. دوم آنکه ادبیات کودک معاصر در تقاطع گفتمان‌های مختلف ادبی و غیرادبی قرار گرفته است؛ یعنی گرایش به گفتمان‌های مختلف دارد. درنهایت یکی از الگوهای رویکرد بینامتنی که نیکولایوا پیشنهاد می‌دهد و خود نیز به آن می‌پردازد، الگوی ژنت است. درنهایت او نتیجه می‌گیرد که در ادبیات کودک زیرمتن‌های فراوانی وجود دارد. ویلکی^۱ نیز مدل ژنت را مدلی پویا و فضایی از بینامتنیت دارای پیامدهای عجیب و غریب برای بینامتنیت ادبیات کودک می‌داند؛ زیرا محور نویسنده خواننده در یک رابطهٔ قدرت نامتوازن قرار گرفته است (2004:180). بزرگسالی برای کودک می‌نویسد که در ذهن او بینامتنیتی از ادبیات، جریان دارد؛ از این‌رو بینامتنیت هنگامی که از مرزها و رسانه‌های زبانی و فرهنگی فراتر می‌رود، موضوع بحث ادبیات تطبیقی نیز واقع می‌شود (اسالیوان ۱۳۹۸: ۶۰-۵۹)؛ بنابراین، گذر از مرزهای زبانی و فرهنگی برای ورود به بحث ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان از نظر اسالیوان اهمیت دارد. باختین از جمله کسانی است که بر محققان بعد از خود تأثیرات زیادی گذاشته است؛ علاوه‌بر آن، کریستوا بینامتنیت را در مقابل نقد منابع و نقد سنتی مطرح کرد؛ یولیا کریستوا^۲ از این پیش‌فرض باختین که ماهیت مکالمه‌ای زبان از نقش تعیین‌کننده‌ای برخوردار است، در وضع نظریهٔ خود در باب کاربرد زبان تأثیر پذیرفته است (اشمیتس ۱۳۹۰: ۱۰۳).

هر متن، از ماهیت متنیت فرهنگی برخوردار است؛ چراکه «متن یک موضوع منفرد و مجرد نبوده؛ بلکه تدوینی از متنیت فرهنگی است» (آلن ۱۳۸۵: ۵۸)؛ بنابراین ادبیات کودک و نوجوان نیز، بنابر مخاطب ویژهٔ خود، ماهیتی فرهنگی دارد که فرهنگ‌وابسته است؛ تعریف از کودک، کودکی و دورهٔ کودکی و... فرهنگ‌وابسته است؛ پس ادبیات کودک و نوجوان، بنابر متنیت چندگانه و چندقطبی در فرهنگ، تعلیم‌وتربیت، آموزش،

1. Wilkie
2. Julia Kristeva

هنر، فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ماهیتی فرهنگی به ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان می‌دهد؛ به عبارت دقیق‌تر، وقتی گفته می‌شود ادبیات تطبیقی، مرزهای زبانی و فرهنگی را درمی‌نوردد؛ یعنی ماهیتی بینافرهنگی و بینازبانی می‌یابد؛ یعنی ارتباط متن‌ها در فضایی صورت می‌گیرد که گفت‌وگوی متون شکل می‌گیرد و این گفت‌وگو و ارتباط در بستر/ بافت فرهنگ و زبان و... به شکل‌هایی صورت می‌گیرد و شکل این گفت‌وگو را پژوهش‌گر می‌سازد؛ بنابراین در شناسایی و ساخت مسئله برای پژوهش، اهمیت دارد که بین متون و عناصر و مؤلفه‌ها ارتباط باشد و قابلیت تطبیق داشته باشند و آن تطبیق، براساس مکان‌بندی درست و دقیق باشد. منظور از مکان‌بندی، «روشنگری متقابل متون متعدد یا رشته‌ای از متون است که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند» (پراور ۱۳۹۸: ۱۳۳)؛ به عبارت دقیق‌تر، در کنار هم قراردادن آثار، نویسندگان و سنت‌های ادبی‌ای که به درک عمیق‌تر و شناخت بیشتری منجر می‌شوند.

اگر به سیر تطور روش شناختی مطالعات تطبیقی مراجعه شود، سه نظریه «تأثیر»، «توازی» و «بینامتنیت یا گفت‌وگومندی» به میان می‌آید. با دقت می‌توان نظام نشانه‌ای ناشی از رمزگان آثار را در متون متفاوت سنجید و بررسی‌های تطبیقی و مقایسه‌ای انجام داد. رویکرد گفت‌وگومندی، «شبکه» را جایگزین «سلسله‌مراتب» و بررسی «درزمانی» را با «هم‌زمانی» تلفیق می‌کند (۷) (نجومیان ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۲۸) که گفت‌وگومندی‌شان دریافت می‌شود.

تشخیص روش تحقیق و تحلیل در ادبیات

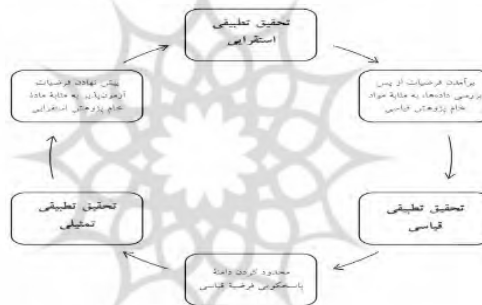
روش تحلیل متون با روش مسئله‌سازی در پژوهش تفاوت دارد. ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تطبیقی و مطالعات این قلمرو، روش واحدی ندارند؛ زیرا محل تلاقی رشته‌ها، دیدگاه‌ها و فرهنگ‌ها هستند و ماهیتی ارتباطی و گفت‌وگویی دارند؛ بنابراین در تکرار دیدگاه‌ها و روش‌ها، باید ساختار و چهارچوبی فرضی؛ اما روشمند و هدفمند برای پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ساخته شود؛ نقدها و نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های تحقیق و تحلیل، بر عنصر یا عنصرهایی تمرکز دارند. برخی از شیوه‌های تحقیق در ادبیات فارسی به شرح زیر است (تمیم‌داری و نرماشیری ۱۳۸۹: ۵۷):

جدول ۱. شیوه‌های تحقیق در ادبیات فارسی (تمیم‌داری و نرماشیری ۱۳۸۹: ۵۷)

شیوه مقابله‌ای	شیوه قیاسی	شیوه استدلالی	شیوه انتقادی	شیوه تحلیلی- تشریحی
شیوه تأویلی	شیوه زبان‌شناختی	شیوه ساختارگرایانه	شیوه صورت‌گرایانه	شیوه نشانه‌شناختی
شیوه جامعه‌شناختی- ادبی	شیوه روان‌شناختی- ادبی	شیوه زیبایی‌شناختی	شیوه فلسفی	شیوه تصحیحی
شیوه واژگانی- اصطلاحی	شیوه سبک‌شناختی	شیوه بلاغی	شیوه تاریخی	شیوه مکتب‌شناختی

در استفاده از شیوه استدلالی، اینکه کدام نوع استدلال استفاده شود، اعم از استدلال قیاسی، استدلال تمثیلی، استدلال استقرایی، استدلال استنتاجی، اهمیت دارد. در پایان‌نامه شجاعی ضمن تبیین روش قیاسی (کل به جزء)، تمثیلی (مثال‌آوری) و استقرایی (جزء به کل)، مدل بررسی به‌صورت چرخه مکمل روش‌های تطبیقی تبیینی زیر ارائه شده است:

نمودار ۱. نمودار چرخه مکمل روش‌های تطبیقی تبیینی (۱۳۹۶: ۱۳۸)



پس از بررسی، این نتیجه تدقیق می‌شود که پژوهش‌های تطبیقی استقرایی، می‌توانند به فرضیه‌پردازی‌هایی منجر شوند که بعداً در پژوهش‌های قیاسی و تمثیلی به کار آیند (۱۳۹-۱۳۸).

یک پژوهشگر، به‌خصوص پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، باید بین روش گردآوری اطلاعات^۱ و روش تحقیق^۲ و روش تحلیل، تفاوت قائل شود. گردآوری اطلاعات یک مرحله از مراحل روش تحقیق است که سه شیوه شناخته‌شده دارد: کتابخانه‌ای، میدانی و آزمایشگاهی؛ اما روش تحقیق، فرایندی است که در آن علاوه‌بر گردآوری اطلاعات، موارد دیگری، ازجمله شیوه طبقه‌بندی و شیوه تجزیه و تحلیل آن‌ها و مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با نتایج مورد انتظار نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (رضی ۱۳۹۴: ۸-۹). روش تحلیل، شیوه تحلیل و بررسی داده‌های تحقیق است که

1. Technique
2. Research method

براساس رویکردهای نقد و نظریه پرداخته می‌شود و مانند روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها، بخشی از فرایند روش تحقیق است.

یکی از آسیب‌هایی که در پژوهش‌های ادبیات فارسی بررسی شده، فقدان روش‌شناسی و بی‌توجهی به روش است. با بررسی کتاب‌های روش تحقیق در ادبیات فارسی، روشن می‌شود که بیشتر آن‌ها راهکارهایی با تأکید بر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها ارائه داده‌اند. روش تحقیق در ادبیات تطبیقی و ادبیات ملی، تفاوتی ندارد؛ در هر دو می‌توان از انواع رویکردهای مختلف نقد ادبی استفاده کرد. «تفاوت این دو فقط در قلمرو و دامنه پژوهش» (انوشیروانی ۱۳۸۹: ۱۷) است؛ به عبارت دیگر، دامنه و قلمروی پژوهش در ادبیات تطبیقی به خاطر فراروی از مرزهای ملی، جغرافیایی، زبانی و فرهنگی، وسیع‌تر است. پراور، یوست و دیگر محققان، دامنه و قلمروی پژوهش در ادبیات تطبیقی را از دیدگاه خود بر ساخته‌اند. اسالیوان نیز قلمروی پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان را با نگاهی به قلمروی ادبیات تطبیقی بزرگسال پیشنهاد داده است. روش تحقیق در هر پژوهشی باید با موضوع و چهارچوب‌های نظری پژوهش، هم‌خوانی و تناسب داشته باشد. در غیر این صورت، پژوهش دچار ناسازگاری بین اجزای اصلی خواهد شد و نتیجه مطلوبی از آن حاصل نمی‌شود (شجاعی ۱۳۹۶: ۱۲۷).

پژوهش‌های ادبی، گرایش شدیدی به میان‌رشته‌ای دارند؛ زیرا اغلب مسئله‌های ادبی دارای ماهیت پیچیده و چندوجهی هستند. مسئله‌های ادبی معمولاً با یکی از موضوعات رشته‌های دیگر پیوند دارند. توجه به ماهیت دیگر رشته‌ها و ارتباط با آن‌ها، برای ادبیات تطبیقی بزرگسال، مفید و اختیاری است؛ اما برای ساخت مسئله پژوهشی در قلمروی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان ضروری است؛ چراکه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، با ارتباط بینامتنی ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تطبیقی بزرگسال باید مقید به مخاطب خود باشد و در شناخت ادبیات ویژه آن‌ها و نیز سازوکار تطبیق و پیکره و دامنه پژوهش، بینارشته‌ای بودن را در نظر بگیرد.

واکاوی روش‌شناسی مقایسه‌ای- تطبیقی در ادبیات

دانشی به نام «روش‌شناسی» برای شناخت انواع روش‌ها و آشنایی با طبقه‌بندی آن‌ها و نشان دادن تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان به وجود آمد که شاخه‌ای از منطق به‌شمار می‌آید و در آن روش‌های گوناگون معرفت علمی سامان‌دهی و ارزیابی می‌شود (رضی ۱۳۹۴: ۹). روش‌شناسی به‌مثابه مفهومی مرتبط با منطق و فلسفه علم، از نظر صابری «امکان یافتن استدلال منطقی را برای روشی فراهم می‌کند که محقق در روند پژوهش خود آن را در پیش گرفته است» (به نقل از عبداللهی و جوان ۱۳۹۴:

(۳۸-۳۹).

واژه «تطبیقی» در قلمروی ادبیات تطبیقی از معنای عامش، ویژه‌تر در نظر گرفته می‌شود؛ مقایسه یا تطبیق، ریشه در تفاوت دارند و از مهم‌ترین لوازم معرفت محسوب می‌شوند؛ «تکثر امکان مقایسه و مقایسه، زمینه انتخاب را فراهم می‌آورد» (نامور مطلق ۱۴۰۱: ۲۴)؛ بنابراین، مقایسه و به تبع آن شناخت، با تفاوت‌ها صورت می‌گیرد؛ اما مقایسه شناخت‌شناسی برای هر ارتباطی کاربرد ندارد و هر مقایسه‌ای به شناخت نمی‌انجامد؛ بلکه در تطبیق و مقایسه باید از سمت طرفین ارتباط، شرایط ویژه و ویژگی مشترکی وجود داشته باشد. در ادبیات تطبیقی، برپایه شباهت یا تفاوت، می‌توان مقایسه و تطبیق صورت داد و اینکه براساس چه منطق و روشی به شباهت‌ها یا تفاوت‌ها پرداخته شود، حائز اهمیت است. مطالعات تطبیقی به لایه‌ها و سطوح گوناگونی تقسیم می‌شوند که نامور مطلق (۲۸) به چهار لایه از آن‌ها اشاره می‌کند: مقایسه درون‌متنی، بین‌متنی، بینارشته‌ای و بینافرهنگی. پژوهشگر باید عنصر یا عنصرهای مدنظر خود را از متن مبدأ و مقصد یا متن اول و دوم انتخاب کند. درخصوص این عنصرها قرار است شباهت‌ها مقایسه شود یا تفاوت‌ها؟ این مقایسه قرار است درون متن واحد صورت بگیرد یا در ارتباط با چند متن یا رشته‌های دیگر؟ متن‌ها و عنصرهای مدنظر به چند فرهنگ تعلق دارند تا بینافرهنگی و در گستره ادبیات تطبیقی باشند؟ پس «هم موضوع و هدف تحقیق است که شیوه را مشخص می‌کند و هم سبک و سیاق و اندیشه مؤلف» (۴۶)؛ در مسئله‌سازی باید به این مباحث اندیشیده شود.

یکی از دسته‌بندی‌هایی که در یک پژوهش برای روش‌شناسی مطرح و به کار گرفته شده است، در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش‌شناسی، ناظر بر گستره یک اثر پژوهشی از آغاز تا پایان است و روش تحقیق، جزء و مرحله‌ای از روش‌شناسی یک پژوهش محسوب می‌شود. روش‌شناسی را از دو دیدگاه می‌توان تعریف کرد: روش‌شناسی پیش از تحقیق و روش‌شناسی پس از تحقیق (قبول ۱۳۹۰: ۳۲-۳۱).

روش‌شناسی پیش از تحقیق، توسط محقق صورت می‌گیرد که شامل کلیه مراحل پژوهشی است که باید قبل از یک تحقیق روشمند انجام شود. این مراحل در نمودار ۲ آمده است. برای آزمون فرضیه، انتخاب روش می‌تواند به دو گونه انجام شود. در صورتی که پژوهشگر تحقیقش را براساس یکی از نظریه‌های از پیش تعریف‌شده، مانند نظریه‌های نقد ادبی انجام دهد، لازم است روش‌شناسی آن نظریه را به‌عنوان معیار تحلیل و نگرش خود به متن برگزیند که روش از پیش تعریف‌شده برای آزمون فرضیه مدنظر قرار می‌گیرد. در پژوهش‌هایی که روش آزمون فرضیه‌های آن مبتنی بر نظریه‌های نقد ادبی نیست؛ براساس اصول و قواعد روش‌شناسی علمی به تعریف

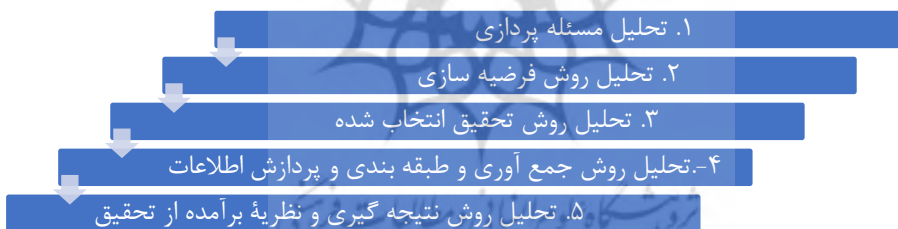
و تحدید روشی پرداخته می شود که آزمون فرضیه در این پژوهش ها براساس روش خود تعریف است (۳۱-۳۲).

نمودار ۲. روش شناسی پیش از تحقیق



روش شناسی پس از تحقیق، توسط منتقدی صورت می گیرد که به تحلیل روش شناسی یک اثر علمی دیگر می پردازد. این تحلیل روش شناختی- با تأکید بر پژوهش های ادبی- در پنج مرحله صورت می گیرد: تحلیل روش مسئله پردازی^۱، تحلیل روش فرضیه پردازی^۲، تحلیل روش تحقیق انتخاب شده^۳، تحلیل روش جمع آوری^۴، طبقه بندی و پردازش اطلاعات^۵ و تحلیل روش نتیجه گیری و نظریه برآمده از تحقیق^۶ (۳۲-۳۳).

نمودار ۳. روش شناسی پس از تحقیق



چهار مرحله روش شناسی پیش از تحقیق با سه مرحله نخستین روش شناسی پس از تحقیق، اشتراک مفهومی دارند. در پژوهش حاضر روش شناسی پیش از تحقیق مدنظر است و در نقد و تحلیل روش شناسانه، به بررسی مرحله تعریف و انتخاب روش تحقیق مناسب (انتخاب شده یا مدنظر برای آزمون فرضیه و پاسخ به پرسش پژوهش و تبیین مسئله پژوهش) می پردازد.

1. Analysis of Formulate Problem
2. Analysis of Formulate Hypothesis
3. Analysis of Research Method
4. Analysis of Collection and Classification of Information
5. Analysis of Results and Theory of Research
6. Analysis of Context

در آنچه فرهنگی (به نقل از قبول ۱۳۹۰: ۵۹-۵۸) تحت عنوان فرایند سه‌پرده‌ای روش‌شناسی تبیین کرده است، به پرده گسستن، ساختن و مقایسه تصریح می‌شود؛ پرده اول، یعنی گسستن مشخص می‌کند که پژوهشگر به دنبال چیست که در تحقیق، اهمیت مبنایی داشته باشد؛ پرده دوم یعنی ساختن در پژوهش، اهمیت راهبردی دارد و پرده سوم اهمیت عملیاتی دارد.

نمودار ۴. سه پرده روش‌شناسی (قبول ۱۳۹۰: ۲۷۷)



در پرده اول و دوم، روش‌شناسی پیش از تحقیق را می‌توان ملاحظه و در ساختن مسئله به آن‌ها توجه کرد.

تمرکز پژوهش حاضر بر روش مسئله‌سازی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان با در نظر گرفتن مجموعه سه پرده است؛ یعنی پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک، چگونه ایده و پرسشی بدیع و متناسب و دقیق، طراحی و طرح‌ریزی کند؛ چگونه از طرح مسئله دل‌خواهی یا کنار هم قرار دادن نامتناسب و دل‌خواهی فاصله بگیرد و در چهارچوب منسجم و دقیقی به طرح ایده پردازد که از نظر روایی و پایایی معتبر باشد؟ پاسخ این پرسش‌ها در ادامه از طریق مدل‌های طراحی و پیشنهاد شده تبیین می‌شود.

مدل‌سازی روش مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

مدل بینامتنی الگوی ارتباطی یاکوبسن^۱ و چپمن^۲

بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن، در هر ارتباط، موضوع قابل فهم و رمزگان و کدهای رمزی مشترکی برای هر دو طرف رابطه مطرح است که گوینده یا فرستنده، کلام حاوی پیام خود را از طریق مجرای فیزیکی و تماس و ارتباط روان‌شناختی بین خود و مخاطب، انتقال می‌دهد.

سلسله‌مراتب اجزای ارتباط در نظریه ارتباطی یاکوبسن در نمودار زیر قابل ملاحظه است:

1. Jacobsen
2. Chapman

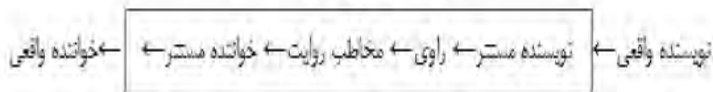
نمودار ۵. زنجیره اجزای ارتباط در نظریه ارتباطی یاکوبسن



در ادبیات کودک و نوجوان با الگوی ارتباطی چپمن، نشان داده می‌شود که بین بزرگسال و کودک، ارتباط ناهم سطحی وجود دارد که دقت و توجه به آن‌ها در پژوهش ضروری است:

نمودار ۶. مدل ارتباطی الگوی چپمن (ذبیحی ۱۴۰۱: ۲۸۵)

متن روایی



به کمک نمودار ارتباطی یاکوبسن که برای ادبیات بزرگسال کارآیی داشته و الگوی ارتباطی چپمن که در ادبیات کودک و نوجوان ارتباط ناهم سطح بزرگسال و کودک و نوجوان را نشان داده، می‌توان مدل زیر را جهت بررسی ارتباط متون و گفت‌وگوی آن‌ها برای ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان در بستر بینامتنی فرهنگی و گفتمانی و فراروی مرز جغرافیایی پیشنهاد داد و عنصر یا عناصر موردنظر برای مطالعه را بر این اساس انتخاب کرد. پژوهشگر انتخاب می‌کند که از پیکره ۱ و پیکره‌هایی بعدی، چه عنصر یا عناصری را بررسی کند:

جدول ۲. پیشنهاد انتخاب عنصر و شاخص مسئله‌شناختی

متن / اثر / پیکره ۱		
مبدأ	متن روایی	مقصد
نویسنده / شاعر / گوینده	نویسنده مستتر ← راوی ← مخاطب روایت ← خواننده مستتر	خواننده / مخاطب
(واقعی) / فرستنده	موضوع / زمینه	(واقعی) / گیرنده
	پیام = متن	
	مجرای فیزیکی / تماس	
	رمز / رمزگان	

متن / اثر / پیکره ۲ و ...		
مبدأ	متن روایی	مقصد
نویسنده / شاعر / گوینده	نویسنده مستتر ← راوی ← مخاطب روایت ← خواننده مستتر	خواننده / مخاطب
(واقعی) / فرستنده	موضوع / زمینه	(واقعی) / گیرنده
	پیام = متن	
	مجرای فیزیکی / تماس	
	رمز / رمزگان	

در کنار مؤلفه‌های بالا، پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان می‌تواند بررسی خود را حول یک یا چند نقش از نقش‌های شش‌گانه نظریه ارتباطی یا کوبسن منسجم کند:



نمودار ۷. نقش‌های شش‌گانه نظریه ارتباطی یا کوبسن

شایان توجه است در نقش ادبی که مربوط به خود متن می‌شود، اقتضای حال مخاطب اهمیت دارد. این نکته، به اهمیت مخاطب کودک و نوجوان و مدنظر قرار دادن وی در پژوهش‌ها تأکید می‌ورزد. حتی اگر رویکرد پژوهش، متن‌محور باشد، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان باید مخاطب کودک و نوجوان را در نظر بگیرد و پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نیز باید مخاطبان طرفین ارتباط را در بستری تطبیقی و بینافرهنگی در نظر بگیرد. گفت‌وگوی متن، مؤلف یا مخاطب با در نظر گرفتن مبحثی وابسته به ادبیات کودک و نوجوان و مخاطبان آن اهمیت ویژه دارد؛ چراکه در ادبیات تطبیقی، تطبیق، یک روش و ابزار و سازوکار است تا هدف پژوهش، محقق شود.

اسالیوان به خاستگاه دوگانه ادبیات کودک و نوجوان به‌عنوان یکی از ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که ادبیات کودک را از ادبیات بزرگسال جدا می‌کند؛ این خاستگاه را باید در هر دو نظام ادبی و آموزشی جست‌وجو کرد (۱۳۹۸: ۳۹). این نسبت دوگانه، که هم‌زمان دربرگیرنده معیارهای ادبی و آموزشی است، آثار فراگیر و پر دامنه‌ای بر ادبیات کودک دارد که لازم است شاخه تطبیقی به آن آگاهی کامل داشته باشد. یکی از نکات مهمی که در بررسی‌های تطبیقی ادبیات کودک و نوجوان باید به آن توجه شود و به‌طور دقیق در مسئله‌سازی مدنظر قرار بگیرد، این است که خاستگاه ادبی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، اصل باشد. اگر نظام آموزشی مدنظر است، باید سوی دیگر تطبیق واقع شود؛ چراکه پژوهش ادبیات تطبیقی، باید ادبی باشد. این ویژگی نشان می‌دهد که مطالعات ادبیات تطبیقی از مطالعات ادبی جدایی‌ناپذیر است (شجاعی ۱۳۹۶: ۱۹). بحث روی ادبیت پیکره اصلی پژوهش است؛ اصطلاح ادبیت به این معناست که تمرکز و محتوا باید به خود ادبیات مربوط باشد نه خارج از آن (۵۲). پیکره خودی باید ادبیات کودک و نوجوان و نظام ادبی باشد و

دیگری، می‌تواند نظام آموزشی و معیارهای آموزشی یا دیگر نظام‌ها و رشته‌ها باشد. شماری از پژوهش‌های ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، یا حتی ادبیات کودک و نوجوان، از خاستگاه و زاویه نظام آموزشی مسئله‌سازی می‌شوند و ارتباطشان با رشته دانشگاهی و دانش ادبیات کودک و نوجوان، کم و از آن دور می‌شود.

بوطیقای روش شناختی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان

بوطیقا، از اصطلاحات چالش برانگیز است؛ زیرا معنای دوگانه آن یعنی خلق (در ساحت آفرینش) از یک طرف و صورت‌بندی و چینش (در ساحت نقد) از طرف دیگر، قابل توجه است. با توجه به کارکرد بوطیقا و روش‌شناسی، می‌توان قرابت‌هایی بینشان یافت؛ بوطیقا «به مجموعه نظرات و قواعدی گفته می‌شود که براساس آن‌ها آفرینش هنری و ادبی ممکن می‌شود» (نامورمطلق ۱۴۰۱: ۲۴۹) و با معنایی از روش‌شناسی مرتبط است که «برای شناخت انواع روش‌ها و آشنایی با طبقه‌بندی آن‌ها و نشان‌دادن تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان دانشی به نام «روش‌شناسی» به وجود آمد که شاخه‌ای از منطق به‌شمار می‌آید و در آن روش‌های گوناگون معرفت علمی سامان‌دهی و ارزیابی می‌شوند» (رضی ۱۳۹۴: ۹).

همچنین این معنا که «یکی از نخستین فعالیت‌های شناختی همین صورت‌بندی‌های بوطیقایی است» (نامورمطلق ۱۴۰۱: ۲۴۹) با این تعریف که روش‌شناسی پیوند مستحکمی با معرفت‌شناسی دارد، مرتبط است؛ در معرفت‌شناسی از اصول و شرایط شکل‌گیری معرفت‌های معتبر بحث می‌شود؛ معرفت‌های بشری طبقه‌بندی و سامان‌دهی می‌شوند و درنهایت این نگرش معرفتی هر پژوهشگر، در روش پژوهش او تأثیر دارد (رضی ۱۳۹۴: ۱۰).

شایان توجه است که یکی از نخستین و بنیادین‌ترین تلاش‌ها در یونان باستان و گسترش عبارت ارسطویی، بوطیقاشناسی است که گونه‌شناسی، ساختارشناسی و قلمروپژوهی را شامل می‌شود (نامورمطلق ۱۴۰۱: ۲۵۰). منطق ساختاری ارتباط در یک دسته یا رشته می‌تواند تحت عنوان بوطیقای روش‌شناختی تبیین شود. از قرن بیستم به بعد به‌خاطر نوشته‌شدن بوطیقاها، زیاد، برجستگی آن به چشم می‌خورد (۲۵۱). آنچه در این پژوهش مدنظر است، کارکرد نظم‌بخشی و تشخیص روابط میان پدیده‌ها از بوطیقا است. با توجه به اینکه هم بوطیقا و هم تطبیق به‌طور تنگاتنگ با شناخت ارتباط می‌یابند و هر دو روش‌های شناختی محسوب می‌شوند، بوطیقا هم از تطبیق درون‌حوزه‌ای بهره می‌برد و هم می‌تواند از تطبیق بینا‌حوزه‌ای استفاده کند (۲۵۳). منظور از حوزه، میدان معرفتی است که در شکل زیر قابل ملاحظه است:

نمودار ۸. انواع تطبیق در بوطیقا

بوطیقا

تطبیق بینا حوزه ای

تطبیق درون حوزه ای

انواع نسبت‌ها و روابط میان متن‌ها این قابلیت را دارند که موضوع مطالعات ادبیات تطبیقی باشند؛ اما چگونه می‌توان این تطبیق را امکان‌پذیر کرد؟ در پاسخ به این پرسش، شاخص‌هایی از کتاب *ادبیات تطبیقی (مفاهیم، مکاتب، انواع و پیکره‌ها)* مدنظر قرار می‌گیرد که در ارتباطی بینامتنی با ادبیات کودک و نوجوان، در الگویی جدید برای بوطیقای روش‌شناختی مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی پیشنهاد می‌شود:

الف. توجه به عناصر تطبیق‌پذیر برای انتخاب روش‌های تطبیقی بنیادین

در تطبیق‌پذیری، عناصر و گونه‌ها عبارتند از: تأثیر و تأثر، شباهت/ تفاوت، تداوم/ گسست، تجانس/ عدم‌تجانس، تداخل، توازی، تصاحب و برگرفتگی (نوعی از تأثیر و تأثر است و در روابط بینامتنی و ترامتنی بسیار استفاده می‌شود) (۲۵۵-۲۵۴). از بین این عناصر، در کتاب به برخی موارد اشاره می‌شود و باقی به مجال دیگری موکول شده است. تأثیر و تأثر و شباهت/ تفاوت بیشتر مورد توجه محققان است. انحصاری کردن یا نکردن تأثیر و تأثر به یک اصل یا یکی از شیوه‌های تحقیق ادبیات تطبیقی، محل اختلاف محققان است. علاوه‌بر آن، گاهی برخی از محققان از این نوع نسبت برای برتری یک اثر یا فرهنگ بر اثر یا فرهنگ دیگر استفاده می‌کنند (۲۵۵). در تطبیق براساس تأثیر و تأثر، بر تعاملات و تشابهات تمرکز می‌شود. آنچه در تأثیر و تأثر، شایان توجه است، هم شیوه مناسبات میان دو متن است؛ هم موضوع مطالعات برای ادبیات تطبیقی و هم رویکرد تحقیقاتی با نظریه و روش مشخص و منابع خاص برای مطالعه (۲۵۶). از دیگر مناسبات ارتباط متون مورد مطالعه و انتخاب آن‌ها برای مطالعه، تفاوت یا تشابه آن‌هاست. شباهت‌ها می‌توانند دستاویزی برای تحقیق در حوزه ادبیات تطبیقی قرار گیرند؛ «این شباهت‌ها می‌توانند در موضوع، مضمون، فرم یا صورت اثر باشند؛ اما این شباهت‌ها می‌توانند تا حوزه فرامتن‌ها و بافت اثر نیز توسعه یابند» (۲۸۴). برعکس، تفاوت‌ها نیز می‌توانند در همین ریزعناصر باشند؛ به‌طور مثال، تفاوت خداآوری در کتاب‌های کودک و نوجوان ایران و دیگر کشورها که حتی می‌توان با نظریه و چشم‌انداز تقابل‌های دوتایی نیز بررسی شود.

مبنی بر عنصر بنیادین مورد بحث در موضوع و مسئله، می‌توان دسته‌بندی‌ای مبتنی بر روش صورت داد که بر مبنای بررسی عنصر بنیادین ارتباطات باشد؛ یعنی روش تأثیر و تأثر بنیاد، روش تشابه/ تفاوت بنیاد، روش برگرفتگی بنیاد و...؛ به‌طور مثال، در بررسی تأثیرگذاری *منطق الطیر عطار* بر *همایش پرندگان پتر سیس*^۱، اگر عنصر

بنیادین مسئله مدنظر برای این ارتباط، تأثیر باشد، روش و رویکرد و نظریه تأثیر بنیاد به کار می آید؛ اما اگر عنصر مدنظر مسئله تحقیق، برگرفتگی باشد، روش و رویکرد و نظریه بینامتنی یا ترامتنی و نقد منابع و... متناسب است و روش برگرفتگی بنیاد لحاظ می شود. ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، به دلیل گفتمان غالب ادبیات بزرگسال و ادبیات تطبیقی بزرگسال، ظرفیت مسئله سازی بسیاری با عنصر تأثیر و تأثر، تشابه/ تفاوت و برگرفتگی دارد؛ زیرا به طور مداوم در تطبیق و مقایسه با گفتمان ادبی بزرگسال قرار می گیرد تا خود را بشناسد. این به معنای تقلیدی یا تقابلی بودن ادبیات تطبیقی کودک نیست؛ بلکه توجه به دیگری، یکی از شاخص های نامتغیرهای ادبیات تطبیقی است که در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نیز باید به طور طبیعی وجود داشته باشد.

ب. توجه به دوگانه مقایسه شدنی / ناشدنی و شاخص ها و زیرشاخص ها

بعد از اینکه پژوهشگر ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، با عناصر تطبیق پذیری آشنا شود که روش و رویکرد و نظریه ساخت مسئله اش را به مسیر درست و دقیق و هدفمند هدایت کنند، پرسش هایی از زاویه ای دیگر جلب توجه می کنند: مرز مقایسه پذیری کجاست؟ از کجا به بعد می توان گفت آثار مدنظر دیگر قابل مقایسه نیستند یا از اینجا قابل مقایسه هستند؟ چه شاخص ها و معیارهایی وجود دارد که نشان دهنده مقایسه پذیری باشد؟

باید تناسبی بین عناصر مقایسه شونده وجود داشته باشد؛ نه آنقدر شباهت ها زیاد باشد که استقلال و هویت مستقل آثار، کمرنگ باشد و نه آنقدر فاصله و تفاوت که هیچ شباهتی حتی در نوع ارتباط نباشد و ارتباط، قطع شود. جهت ایجاد این تناسب، شاخص هایی وجود دارد تا تطبیق، روشمند و هدفمند باشد؛ «موضوع مرزگذاری میان مقایسه پذیرها و مقایسه ناپذیرها به شدت فرهنگی و فردی است؛ زیرا دو پدیده می توانند برای یکی مقایسه پذیر و برای دیگری مقایسه ناپذیر باشند» (۲۶۳-۲۶۲). این موضوع نشان می دهد که رابطه بین آثار، نسبی است و از فردی به فرد دیگر تفاوت دارد؛ بنابراین، شاخص هایی باید باشد که این نسبی بودن را به اشتراک و اتفاق نظر برساند؛ شاخص های نامتغیر، نیمه متغیر و متغیر و زیرشاخص های آنها می توانند به این نسبییت، سامان بخشند و بوطیقای روش شناختی را شکل دهند؛ زیرا موضوع نامتغیرها با موضوع بوطیقا پیوند دارد.

شاخص ثابت که با زمان و مکان و فرهنگ و فرد تغییر نمی کند، غیر/ نامتغیر است؛ نامتغیرها که جزو ویژگی های ذاتی و درونی و عنصر اصلی وجودشناسانه پدیده ها هستند، بخش اصلی هویت ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان نیز محسوب می شوند. از آنجاکه «قدرت یک دانش به میزان نامتغیرهای آن است» (۲۶۷)، نامتغیرها

از یک سو باعث انسجام درونی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و از سوی دیگر باعث تمایز آن از دیگر انواع می‌شوند. در میان شاخص‌ها می‌توان به دو عنصر اساسی و بنیادین ادبیات تطبیقی اشاره کرد: پیکره ادبی مطالعات و دوگانه خود و دیگری. با توجه به گرایش‌ها و نظریات گوناگون، دو دیدگاه درباره پیکره ادبی مطالعات وجود دارد: درون‌شاخه‌ای و بینا‌شاخه‌ای بودن ادبیات تطبیقی. در ترکیب درون‌شاخه‌ای، هر دو پیکره مطالعاتی ادبیات تطبیقی از درون ادبیات برخاسته‌اند؛ اما در ترکیب بینا‌شاخه‌ای، یکی از پیکره‌ها ادبی و پیکره دیگر، می‌تواند غیرادبی باشد (۲۷۱-۲۷۰). نکته قابل توجه این است که به تناسب درون‌شاخه‌ای یا بینا‌شاخه‌ای بودن پیکره مطالعاتی ادبیات تطبیقی، رویکرد و روش ویژه‌ای برای مطالعه و تحقیق وجود دارد. منظور از دوگانگی خود و دیگری، نسبت به رشته و فرهنگ است.

شاخص نیمه‌متغیر، وضعیت بینابینی دارد و دو عنصر چندمتنی و چندمؤلفی را شامل می‌شود. چندمتنی به معنی تجاوز از یک متن و تطبیقی بودن است؛ ابتدا ادبیات و بعد این چندمتنی بودن است که مسئله پژوهش را به حوزه ادبیات تطبیقی مرتبط می‌کند؛ ولی برای چندمتنیت، لازم نیست که هر دو متن، ادبی باشند؛ چراکه معنای متن، به هر واحد مستقل معنادار اطلاق می‌شود. در امتداد چندمتنیت، چندمؤلفیت قابل توجه است؛ چون به مدنظر قراردادن چندمؤلف در مسئله پژوهش ادبیات تطبیقی اشاره دارد؛ زیرا نخست آنکه برخی مؤلفان در یک فرهنگ، دارای چندین زبان هستند؛ دوم آنکه برخی مؤلفان، چندفرهنگی هستند و سوم آنکه چندرسانه‌ای و چندرشته‌ای بودن مؤلف نیز مطرح می‌شود (۲۷۵-۲۷۳).

شاخص‌های متغیر، ماهیتی متفاوت دارند. شاخص‌های پیشین، در صورت نادیده گرفته شدن نمی‌توانند یک مسئله را در حوزه ادبیات تطبیقی بگنجانند؛ اما شاخص‌های متغیر، می‌توانند جایگزین هم شوند و اگر یکی از آنها نبود، قابلیت جایگزینی فراهم است. دو عنصر مربوط به شاخص متغیر، بینا‌فرهنگی و بینارشته‌ای بودن است (۲۷۷). همان‌طور که پیشتر اشاره شد، با فرهنگ می‌توان به تقسیم‌بندی‌های خود و دیگری در سطح واحدهای بزرگ اجتماعی پرداخت. از دیدگاه نظریه پردازان سنتی ادبیات تطبیقی، مرز میان این شاخه با دیگر شاخه‌های مطالعات ادبی را فرهنگ مشخص می‌کند؛ چراکه ادبیات تطبیقی، شاخه بینا‌فرهنگی ادبیات شمرده می‌شود. بینا‌فرهنگی بودن، عنصرها و زیرشاخص‌هایی دارد که از نظر برخی وابسته به زبان است و از نظر برخی، مستقل از زبان، هویت می‌یابد؛ پس ارتباط تنگاتنگی بین زبان و فرهنگ وجود دارد. نکته مهم این است که براساس نظرات سنتی جریان‌های عمده ادبیات تطبیقی، دو پیکره ادبی حتماً باید از دو فرهنگ گوناگون انتخاب شوند و بینا‌فرهنگی باشند. با وجود اختلاف تعاریف فرهنگ و ارتباط

آن با زبان، اشتراک همه نظریه پردازان در این است که هیچ چیز جز بینارشته‌ای بودن نمی تواند شرط بینافرهنگی را تحت پوشش قرار دهد و آن مطالعه را در حوزه ادبیات تطبیقی بگنجانند. گذار از مطالعات درون رشته‌ای به مطالعات بینارشته‌ای تحولی بزرگ در این شاخه بود (۲۷۹).

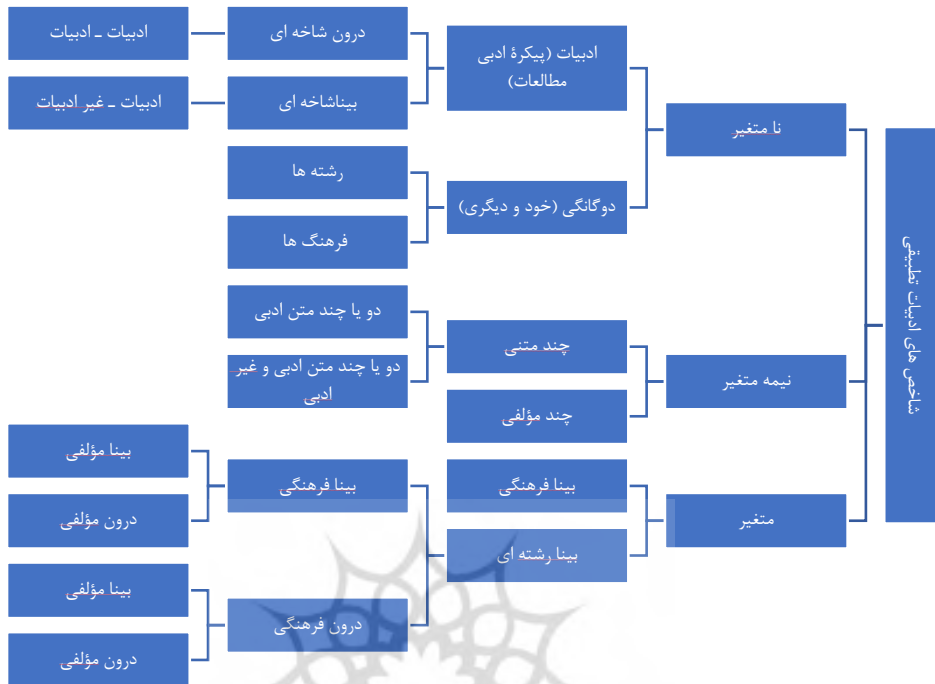
مطالعات بینارشته‌ای به دو دسته بینافرهنگی و درون فرهنگی منشعب می شوند؛ هر دسته، دو زیرشاخه بینامؤلفی و درون مؤلفی دارد. بسیار اهمیت دارد که پژوهشگر ادبیات تطبیقی در مسئله سازی، به این چهارچوب توجه کند تا در مرز و قلمروی دقیق و درستی از ادبیات تطبیقی مطالعه کند؛ ترکیب اول، یعنی بینارشته‌ای بینافرهنگی بینامؤلفی، ابهامی ندارد؛ اما درون مؤلفی، مبهم است و باید بیشتر از سوی محققان پردازش شود. بینارشته‌ای درون فرهنگی بینامؤلفی، از جمله دیدگاه‌های نسل نوی ادبیات تطبیقی محسوب می شود که نسل سنتی ادبیات تطبیقی، با آن موافق نیست؛ چراکه بینافرهنگی نیست. با این حال، از حوزه‌های مشترک ادبیات ملی و ادبیات تطبیقی قلمداد می شود. ترکیب بینارشته‌ای درون فرهنگی درون مؤلفی، از نظر نویسنده کتاب، در زمره ادبیات تطبیقی نیست و بینامؤلفیت را شاخص مهمی در نظر می گیرد (۲۸۰-۲۸۲).

ج. مدل پیشنهادی بوطیقای

با بررسی تبیین‌های صورت گرفته در کتاب ادبیات تطبیقی (مفاهیم، مکاتب، انواع و پیکره‌ها)، شاخص‌های ادبیات تطبیقی بزرگسال در نمودار ۹ قابل پیشنهاد است تا با تأمل در آن، شاخص‌ها و عناصر و مدلی بوطیقای برای ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان پیشنهاد شود:

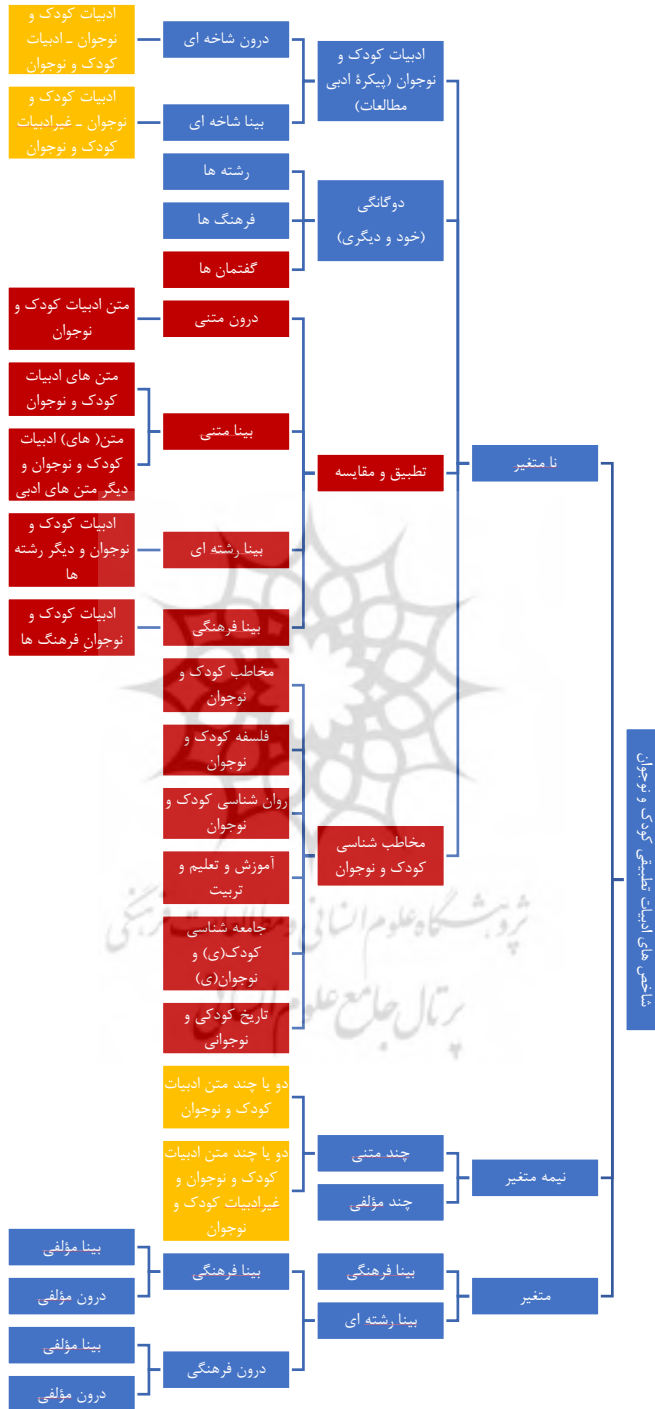
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۹. نمودار پیشنهادی بوطیقای روش‌شناختی ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال



نمودار ۹ براساس شاخص‌هایی است که در روش‌شناسی مسئله‌سازی ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال راهگشا هستند. این نمودار در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان کافی و کامل نیست؛ زیرا ادبیات کودک و نوجوان، مقید و متعهد به مخاطب کودک و نوجوان است و نسبت به دیگر گفتمان‌ها شرایط ویژه خود را دارد. براساس تفاوت‌ها و شرایط ویژه‌ای که در ساخت مسئله پژوهشی قلمروی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان وجود دارد، این شاخص‌ها بازنگری شد که با توجه به ماهیت رشته و دانش ادبیات کودک و نوجوان، مدل پیشنهادی بوطیقای روش‌شناختی در مسئله‌سازی مطالعات ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان براساس شاخص‌های نامتغیر، نیمه‌متغیر و متغیر به صورت زیر ارائه می‌شود که قابل تأمل است. بخش‌های مشترک با نمودار ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال، با همان رنگ قبلی آمده و شاخص‌ها و عناصر جدید، با رنگ‌های جدید طراحی شده است:

نمودار ۱۰. نمودار پیشنهادی بوطیقای روش شناختی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان



در این پژوهش، نحوه و روش ساخت و ایجاد یک مسئله پژوهشی در حیطه دانش ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان مطرح شد تا سازوکارها و مناسبات پژوهش در این حیطه بررسی شود. در مقاله‌ای دیگر، پیکره‌ها و قلمروی پژوهش در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان مورد توجه قرار گرفته است.

روش‌شناسی مطالعات تطبیقی یکی از چالش‌های محققان این گرایش است. ادبیات تطبیقی از لحاظ زمانی به سنتی و معاصر منشعب می‌شود و مطالعات تطبیقی سنتی با توجه به دانش، اطلاعات و رسانه‌های ارتباطی فراملی تکامل یافته، زیر سیطره ادبیات جهانی در مقابل مطالعات تطبیقی معاصر، دچار رکود کارآمدی می‌شوند. این امر تحت عنوان «چرخش پارادایمی در مطالعات ادبیات تطبیقی» قابل شناسایی است. این چرخش گفتمانی، فرهنگی و نظری از سنت به مطالعات و نقد معاصر، بازسته سه کلیدواژه‌ی «دیگری»، «مرز» و «هویت» است. جهان به‌گونه سنتی خود، براساس پارادایم دوگانه «خودی» و «دیگری» تعریف می‌شد؛ اما جهان امروز دعوت «دیگری» به دنیای «خود» است که در پی آن، چرخشی از «تشابه» به «تفاوت» حاصل می‌شود؛ از این‌روی، خواندن هر متنی با دعوت «دیگری» به درون متن، وابسته به «دیگری» انگاشته می‌شود. «مرز» نیز همچنان پابرجاست؛ ولی متون متفاوت، در گستره‌ای افقی در کنار هم خوانده می‌شوند. «هویت» در تعریف معاصر در حال ساخته شدن یا بازسازی است (نجومیان ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۲۰).

از جمله مباحث مشابهی که دغدغه اسالیوان و نیکولایوا را رقم زد، مطالعات بینامتنی و تعامل و گفت‌وگوی متون است. آن‌ها در تلاش برای فراهم‌سازی مقدمات تئوری برای پژوهشگران بعدی گام‌های مؤثری برداشته‌اند؛ اما پس از آن‌ها تکامل و تکمیل شایان توجهی صورت نگرفته است. اسالیوان تأکید داشت که «اگر تعامل آن (ادبیات) با سایر ادبیات نادیده گرفته شود، نمی‌توان پیشرفت ادبیات کودک را توصیف یا درک کرد» (2011: 40)؛ بنابراین طبق مطالب پیش گفته که ادبیات تطبیقی نوین با واسازی ارزش‌گذاری ایدئولوژیک از «خودی» به «دیگری» و از «تشابه» به «تفاوت» در گستره افقی، متون را بررسی می‌کند، با توجه به سه روش «تأثیر» (سنتی‌ترین روش نقد تطبیقی)، «توازی» (تشابه براساس الگو) و «بینامتنیت یا گفت‌وگومندی» (بدون نقطه آغاز در شبکه ردپای روابط متون)، شیوه بررسی «سلسه‌مراتبی» به «شبکه‌ای» و به جای مطلقاً «درزمانی»، توأمان به «درزمانی و هم‌زمانی» استحاله می‌یابد. روش سازوکار ایجاد یک مسئله پژوهشی دقیق و درست و متناسب با قلمروی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، نیاز به واکاوی‌های دقیقی دارد و این گام ابتدایی، به گام‌های بعدی پژوهشگران نیاز دارد تا خلاً پژوهشی این حیطه کاهش یابد. با مطالعات روش‌شناختی می‌توان این روش‌ها را گسترش داد و کیفیت بخشید.

نتیجه

بوطیقای روابط تطبیقی می‌کوشد به چهارچوبی از روابط تطبیقی میان آثار دست یابد که مشخص‌کننده انواع نسبت‌ها و روابط میان آن‌هاست. این پرسش که با چه شاخص‌ها و عناصری می‌توان مسئله‌هایی را در زمره ادبیات تطبیقی و ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان قلمداد کرد، دغدغه نوشتار حاضر بوده است. روش شناسایی و ساخت مسئله پژوهشی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان و پیشنهاد مدل پژوهشی و ساختارشناسی بوطیقای و سازوکار مناسب با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تفسیری از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی تبیین شد. پژوهش حاضر با چشم‌انداز بینامتنی کوشیده است «بوطیقای روش شناختی مسئله‌شناسی و مسئله‌سازی در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» را به‌عنوان هدفی بنیادی پی‌گیرد؛ چراکه ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان، آرمانی را دنبال می‌کند که ادبیات کودک نیز به آن متعهد است؛ تلاش برای تبدیل جمهوری جهانی ادبیات کودک از آرمان به واقعیت در گستره جهانی با مطالعات و تعاملاتی که بین آثار ادبیات کودک و نوجوان شکل می‌گیرد. بوطیقا با نظم‌بخشی به ساختار، می‌تواند مسائل روش‌شناختی را دسته‌بندی کند. داده‌ها از طریق مطالعه بینامتنی با بررسی و بازخوانی نقل‌قول‌ها گردآوری شد. ضمن بررسی دیگر مدل‌ها و پژوهش‌های حیطه ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال، به کمک الگوی ارتباطی یاکوبسن و چپمن، مدلی برای انتخاب عنصر پژوهشی در طراحی مسئله تحقیق و به کمک شاخص‌ها و زیرشاخص‌های ادبیات تطبیقی بزرگ‌سال، بوطیقای روش‌شناختی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان پیشنهاد شد. در این پژوهش، سازوکار شناسایی و ساخت مسئله پژوهشی در قلمروی ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان تبیین شد که در پژوهش‌های آتی قابل بسط است.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشجوی دانشگاه گیلان است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ . در مقدماتی که پرآور در تعریف ادبیات تطبیقی تصریح می‌کند، از «ادبیات» به‌عنوان موضوع مطالعه یاد می‌شود و نهایتاً مجموع تولیدات ادبی یا آثار ادبی یک کشور یا یک دوره یا به‌طور کلی آثار ادبی جهان را برمی‌شمارد. وی «مطالعه تطبیقی ادبیات» را دقیق‌تر می‌داند؛ چراکه از تطبیق به‌عنوان ابزار مطالعه و بررسی ادبیات استفاده می‌کند (۱۳۹۸: ۹-۱۰).
- ۲ . ولک همچنین در جای دیگر مجدداً اشاره می‌کند که «مرزبندی مصنوعی میان ادبیات «تطبیقی» و «عمومی» را باید کنار گذاشت. ادبیات «تطبیقی» اصطلاحی جاافتاده برای هرگونه مطالعه ادبی شده است که از مرزهای ادبیات ملی فراتر می‌رود» (۱۳۸۹: ۹۴). وی برای اینکه توجه و تمرکز مخاطب را به مسائل دیگری از ادبیات تطبیقی جلب کند، از مرزبندی و غرق شدن در پراکندگی تعاریف گذر می‌کند و به مخاطب هم چنین توصیه‌ای می‌کند.
- ۳ . پانائو همچنین به نقل از اسالیوان اذعان می‌دارد که ادبیات تطبیقی به‌عنوان نوعی اصطلاح، با ادبیات جهانی سر و کار دارد. همچنین همان‌طور که در ادبیات تطبیقی بزرگسال بر مرزهای زبانی و فرهنگی تأکید می‌شود، وی نیز برای ادبیات تطبیقی کودک چنین توصیفی ارائه می‌کند.
- ۴ . برای مطالعه بیشتر ر.ک. (O'Sullivan 2011: 37)؛ اسالیوان (۱۳۹۸: ۳۰) که در رساله فوق‌دکترای وی، این هشت قلمرو به نه قلمرو افزایش می‌یابند.
- ۵ . در مقاله «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان»، نویسنده مبانی اولیه بینامتنیت در ادبیات تطبیقی بزرگسال را معرفی می‌کند و با بررسی آن در ادبیات کودک نتیجه می‌گیرد که این مبانی در این دو ادبیات، کاملاً شبیه به هم نیستند؛ اما به هم نزدیک هستند. عوامل بینامتنی مطرح‌شده شامل: التفات جهانی، شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی، نزدیک بودن مرزهای جغرافیایی، زبان مشترک و ترجمه، مستندات هستند که نشان می‌دهند نفوذ پیش‌اثر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به آن‌ها وابسته است (جلالی ۱۳۹۴: ۱۴۴ و ۱۴۶).
- ۶ . ازجمله مباحث مشابهی که دغدغه اسالیوان و نیکولایوا را رقم زده، مطالعات بینامتنی و تعامل و گفت‌وگوی متون است. آن‌ها در تلاش برای فراهم کردن مقدمات تئوری، گام‌های مؤثری برداشته‌اند و می‌توان گفت «اگر تعامل آن (ادبیات) با سایر ادبیات نادیده گرفته شود، نمی‌توان پیشرفت ادبیات کودک را توصیف یا درک کرد» (O'Sullivan 2011: 40).
- ۷ . نظریه تأثیر، سنتی‌ترین روش نقد تطبیقی و متن اصلی به‌عنوان متن معیار و «تأثیر» از آن، مورد تأکید است. رویکردهای سنتی اقتباس از نمونه‌های این روش تلقی می‌شوند. در نظریه توازی، متون متفاوت براساس تشابهی در یک نمونه و الگوی پیشین با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در نظریه بینامتنیت یا گفت‌وگومندی، تأکید بر این پیش‌انگاره است که ردپای اثر پیشین به‌صورت نشانه‌هایی در درون آثار دیگر وجود دارد (نجومیان ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۲۸).

منابع

- آلن، گراهام (۱۳۸۵). *بینامتنیت*. ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- اسالیوان، ایمر (۱۳۹۸). *ادبیات تطبیقی کودکان*. ترجمه مریم جلالی و محبوبه فرهنگی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اشمیتس، توماس (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه ادبی جدید و ادبیات کلاسیک*. ترجمه حسین صبوری و صمد علیون خواجه‌دیزج، تبریز: دانشگاه تبریز.
- انوشیروانی، علی‌رضا (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران». ویژه‌نامه *ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱: ۱، پیاپی ۱، صص. ۶۳۸.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله و محمد امامی (بهار ۱۳۹۵). «تحلیل موضوعی مقاله‌های ادبیات تطبیقی در ایران از ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۰ هـ.ش». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۱: ۴، صص. ۲-۴۵.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4>
- بهمنی، کبری و مهدی نیک‌منش (بهار ۱۳۹۴). «ارتباط بینامتنی دیوان حافظ و آثار روزبهان بقلی». *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۱: ۶، پیاپی ۱۵، صص. ۶۹-۴۷.
- پراور، زیگبرت (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «ادبیات تطبیقی چیست؟» ترجمه علی‌رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، *ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، پیاپی ۹، صص. ۳۶-۴۸.
- پراور، زیگبرت سالمن (۱۳۹۸). *درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی*. ترجمه علی‌رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- تیم‌داری، احمد و اسماعیل نرماشیری (تابستان ۱۳۸۹). «ضرورت تدوین روش‌های تحقیق ادبیات فارسی». *زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۴، صص. ۶۱-۴۳.
<https://doi.org/10.22054/ltr.2010.6499>
- جلالی، مریم (تابستان ۱۳۹۴). «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان». *جستارهای نوین ادبی*، ۲: ۴۸، پیاپی ۱۸۹، صص. ۱۶۶-۱۴۱.
<https://doi.org/10.22067/jls.v48i2.40408>
- ذبیحی، سارا (بهار و تابستان ۱۴۰۱). «ادبیات تطبیقی کودکان اثر ایمر اسالیوان». *مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی*، ۲: ۱، پیاپی ۳، صص. ۲۹۴-۲۸۳.
<https://doi.org/10.22077/islah.2022.5540.1126>
- رضی، احمد (۱۳۹۴). *روش‌ها و مهارت‌های تحقیق در ادبیات و مرجع‌شناسی*. چاپ دوم، تهران: فاطمی.

شجاعی، عطیه‌سادات (۱۳۹۶). بررسی روش‌های تحقیق و تحلیل در ادبیات تطبیقی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه دکترا.

صابری، طیبه (بهار و تابستان ۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی درس مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۹: ۳۶، پیاپی ۳۶، صص. ۲۸-۴۷.

قبول، احسان (زمستان ۱۳۹۰). روش‌شناسی پژوهش‌های ادبی (همراه با نقد و تحلیل روش‌شناسانه پایان‌نامه‌های دکترای منتخب رشته زبان و ادبیات فارسی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد. پایان‌نامه دکترا.

نامورمطلق، بهمن (زمستان ۱۳۸۶). «ترامنتیت: مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها». پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص. ۸۳-۹۸.

نامورمطلق، بهمن (۱۴۰۱). ادبیات تطبیقی (مفاهیم، مکاتب، انواع و پیکره‌ها). تهران: لوگوس.

نجومیان، امیرعلی (زمستان ۱۳۹۱). «به سوی تعریفی تازه از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی». پژوهش‌های ادبی، ۹: ۳۸، صص. ۱۱۵-۱۳۸. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352932>. 1391.9.38.4.4

ولک، رنه (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «نام و ماهیت ادبیات تطبیقی». ترجمه سعید رفیعی خضری، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه فرهنگستان)، شماره ۶، صص. ۱۴-۵۳.

Jalali, Maryam (2015). "Important Points on Rewriting Old Stories for Children". *ALLS*. 6: 6, Pp. 165-169.

Khoshbakht, Maryam and others (2013). "A Comparative Study of chaucer's the Canterbury Tales & Attar's the conference of the Birds". *IJALEL*, 2:1, Pp. 90-97.

Nikolajeva, Maria (2008). "Comparative Children's Literature: What is There to Compare". *Explorations into Children's Literature*. 18: 1, pp.30-40.

Nikolajeva, Maria (2016). *Children's Literature Comes of Age Toward a New Aesthetic*. V4. New York and London: Routledge...

O'Sullivan, Emer (2005). *Comparative Children's literature*. London And New York: Routledge.

O'Sullivan, Emer (2011). "Comparative Children's Literature". *the Modern Language Association of America*. 126:1, pp.189-196.

Panaou, Petros (2011). "What do I need Comparative Children's Literature for?"

Comparative Children's Literature in the age of globalization and 'the infinitely varied mutual contest of sameness and difference'". *Keimena: E- journal for the study, research and teaching of children's literature*. 13. Retrieved from <http://keimena.ece.uth.gr>

Sripadmadevi, J. (2018). "An Overview of Comparative Children's Literature". *IJELLH, Nation conference on 'Cultue, language and literature' organized by the Department of English Loyola College of Arts and Science*. Mettela. Namakkal DT. 6: 12, pp. 332-338.

Wilkie Stibbs, Christine (2004). "Intertextuality and the Child Reader". *International Companion Encyclopedia of Children's Literature*. Edited by Peter unt, London and New York: Routledge, pp. 179-190.

References

Allen, Graham (2006). *Intertextuality*. translated by Payam Yazdanjoo, 2nd Ed, Tehran: Markaz. [In Persian]

Anushiravani, Alireza (Spring and Summer 2019). "The Necessity of Comparative Literature in Iran." *Special Issue of Comparative Literature.*" 1: 1, 1, pp. 6-38. [In Persian]

Bahmani, Kobra and Mahdi Nikmanesh (Spring 2015). "Intertextual Relationship between Hafiz and Roozbahan Baghli's Works." *Kohan-Name-ye Abab-e Parsi*. 6: 1, 15, pp. 47-69. [In Persian]

Ghaboul, Ehsan (Winter 2012). *Methodology of Literary Research (along with methodological criticism and analysis of selected Ph.D. theses in the field of Persian language and literature)*.. Faculty of Literature and Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, PhD thesis. [In Persian]

Iranzadeh, Nematollah and Mohammad Emami (Spring 2015). "Subject analysis of comparative literature in Iran." *CLRJ*. 4 :1, pp. 25-45 [In Persian]. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4>

Jalali, Maryam (Summer 2014). "Applied Principles of Criticism in Comparative Children's Literature." *New Literary Studies*. 48: 2, 189, pp. 141-166. [In Persian]

<https://doi.org/10.22067/jls.v48i2.40408>

- Jalali, Maryam (2015). "Important Points on Rewriting Old Stories for Children". *ALLS*. 6: 6., pp. 165-169.
- Khoshbakht, Maryam and others (2013). "A Comparative Study of Chaucer's the *Canterbury Tales* & Attar's *The Conference of the Birds*". *IJALEL*, 2:1, pp. 90-97.
- Namvar Motlagh, Bahman (Winter 2008). "Transtextual study.". *Human Sciences*, 56, pp. 83-98. [In Persian]
- Namvar motlagh, Bahman (2022). *Comparative literature :Concepts, Schools, Types and Corpuses*. Tehran: Logos. [In Persian]
- Nikolajeva, Maria (2008). "Comparative Children's Literature: What is There to Compare". *Explorations into Children's Literature*. 18: 1, pp.30-40.
- Nikolajeva, Maria (2016). *Children's Literature Comes of Age Toward a New Aesthetic*. 4, New York and London: Routledge.
- Nojuomian, Amir Ali (Winter 2013). "Towards a New Definition of Comparative Literature and Criticism.". *LIRE*, 9: 38, pp. 115-138. [In Persian] <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352932.1391.9.38.4.4>
- O'Sullivan, Emer (2005). *Comparative Children's literature*. London And New York: Routledge.
- O'Sullivan, Emer (2011). "Comparative Children's Literature". *the Modern ppLanguage Association of America*, 126:1, pp. 189-196.
- O'Sullivan, Emer (2019). *Children's Comparative Literature*. Translated by Maryam Jalali and Mahboubeh Farhangi, Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- Panaou, Petros (2011). ""What do I need Comparative Children's Literature for?" Comparative Children's Literature in the age of globalization and 'the infinitely varied mutual contest of sameness and difference.'" *Keimena: E- journal for the study, research and teaching of children's literature*. 13. Retrieved from <http://keimena.ece.uth.gr>
- Praver, Siegbert (Spring and Summer 2013). "What is comparative literature?".

-
- Translated by Alireza Anushiravani and Mustafa Hosseini, *Comparative Literature* (Culture of Persian Language and Literature), 9, pp. 36-48. [In Persian]
- Prawer, Siegbert Salomon (2019). *Comparative Literary Studies: An Introduction*. Translated by Alireza Anushiravani and Mustafa Hosseini, 4th ed, Tehran: SAMT. [In Persian]
- Razi, Ahmad (2014). *Research Methods and Skills in Literature and Reference Studies*. 2nd ed, Tehran: Fatemi. [In Persian]
- Saberi, Tayyebeh (Spring and Summer 2014). "Pathology of reference course and research method in Persian literature". *University Textbooks; Research and Writing*, 19: 36, 36, pp. 28-47. [In Persian]
- Schmitz, Thomas (2010). *Modern Literary Theory and Ancient Texts: An Introduction*. Translated by Hossein Sabouri and Samad Elliyouné Khajeh Dizj, Tabriz: Tabriz University. [In Persian]
- Shojaee, Atiyeh-Sadat (Winter 2017). *The Methods of Research and Analysis in Comparartive Literature..*, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabatabai University, PhD Thesis. [In Persian]
- Sripadmadevi, J. (2018). "An Overview of Comparative Children's Literature". IJELLH, Nation conference on 'Cultue, language and literature' organized by the Department of English Loyola College of Arts and Science. *Mettela*. Namakkal DT. 6,12, pp. 332-338.
- Tamimdari, Ahmed and Esmaeil Narmashiri (Summer 2009). "The Necessity of RDeveloping Research Methods of Persian literature." *Persian Language and Literature*, 44, pp. 43-61. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/ltr.2010.6499>
- Wellek, René (Autumn and Winter 2011). "The Name and Nature of Comparative Literature.". Translated by Saeed Rafiei Khezri, *Comparative Literature* (Farhangistan special letter), 6, pp. 14-53. [In Persian]
- Wilkie Stibbs, Christine (2004). "Intertextuality and the child reader", *International Companion Encyclopedia of Children's Literature*. London And New York: Routledge. Edited by Peter Hunt, Pp. 179-190.

Zabihi, Sarah (Spring and Summer 2022). "Comparative Children's Literature by Emmer O'Sullivan". *Interdisciplinary studies of Literature, Arts and Humanities*, 2: 1, 3, pp. 294-283. [In Persian]. <https://doi.org/10.22077/islah.2022.5540.1126>



Methodological Poetics of Problem-Analysis and Problem-Creating in the Comparative Children's and Young Adult Literature

Sarah Zabihi¹ 

Mohammad Ali Khazanehdarloo²

Farzaneh Aghapour³ 

Abstract

The Comparative Children's and Young Adult Literature, a new area of comparative knowledge, is built in the intertextual relationship between Children's and Young Adult Literature with comparative literature. The relationship of the Poetics and the comparison with the knowledge, puts both of them in the category of Cognitive methods. The explanation of the Territory of Research in this field has been examined in the other article of researchers, but knowing the methods of Problem-Analysis and Problem-Creating is also considered one of the necessary steps in this process of epistemology that has been ignored. Therefore, in this article, the structural logic of the relationship between the components, indicators and elements of the texts in a Coherent formulation is examined. In addition, answering to the question of how and what issues can be considered in the field of Comparative Children's and Young Adult Literature is the concern of this article. The purpose of the article is to explain the method of identifying and creating a research problem in the field of Comparative Children's and Young Adult Literature with the help of the Intertextual model of Genette's Transtextuality theory and to propose a structural and Poetics model with intertextual components.

Keywords: Methodology of Research Problem, Children's and Young Adult Literature, Comparative literature, Genette's Intertextuality

1. Ph.D Student in Persian Language and Literature, Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran. Sarah_Zabihi@phd.guilan.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran. (Corresponding Author) khazaneh@guilan.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran. farzaneh.aghapour@guilan.ac.ir

How to cite this article:

Sarah Zabihi; Mohammad Ali Khazanehdarloo; Farzaneh Aghapour. "Methodological Poetics of Problem-Analysis and Problem-Creating in the Comparative Children's and Young Adult Literature". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 4, 2, 2024, 149-182. doi: 10.22077/islsh.2024.7274.1418



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی